

من برای انجام یک سفر چه چیزی را به همراه می برم؟

## اول پترس فصل 5 ایه 5 تا 11



به همین طریق شما که جوانتر هستید، باید مطیع رهبران کلیسا باشید و همه شما حوله فروتنی را به کمر بسته، یکدیگر را خدمت کنید زیرا خدا مخالف متکبران است، اما به فروتنان فیض می‌بخشد. 6. پس در مقابل قدرت خدا فروتن باشید تا او شما را در وقت مناسب سرفراز نماید. 7. بار تمام نگرانی‌های خود را به دوش او بگذارید، زیرا او همیشه در فکر شماست. 8. هوشیار و مواظب باشید؛ زیرا دشمن شما ابلیس، چون شیری غران به هرسو می‌گردد و در جستجوی کسی است که او را بلعد. 9. با قدرت ایمان در مقابل او بایستید، زیرا می‌داند که ایمانداران در تمام دنیا به همین زحمات دچار شده‌اند. 10. اما، پس از اینکه اندک زمانی رنج و زحمت دیدید، خدا که بخشنده تمام برکات روحانی است و شما را در مسیح دعوت کرده است که در جلال جاودانی او شریک شوید، شما را کامل و ثابت قدم و قوی و استوار خواهد ساخت. 11. قدرت تا به ابد از آن اوست، آمین!

من معمولاً در سال یک بار برنامه ریزی می‌کنم که به یک تور دوچرخه سواری بروم که تا چند روز هم طول می‌کشد. برنامه ریزی کردن این سفر 50 درصد از کل این سفر محسوب می‌شود چراکه اگر آدم برنامه ریزی اشتباهی بکند باعث دلسردی و اشتباه آدم در این راه می‌گردد. بخاطر اینکه آدم بعضی اوقات کوله خودش را بیش از حد پر کرده و یا یک چیز بسیار مهم را فراموش کرده است که در کوله خودش بگذارد. یک بار من این اشتباه را در یکی از سفرهایم انجام دادم و بخاطر همین من دیگر در این مسئله آگاه شده‌ام که چگونه یک برنامه ریزی خوبی انجام بدهم. موضوع امروز ما که در ایه‌های خطبه نیز آمده است درباره مسیر کلیسا در این جهان می‌باشد که پر از دشمن‌های زیادی برای فرزندان خدا می‌باشد. سفر اجتماع مسیحی آن دوران که پترس در نامه‌اش آورده است یکی از خطرناک‌ترین این سفرها می‌باشد. این قوم مسیحی داستان ما از افراد خیلی کمی تشکیل شده بودند که اقلیت مردمان آن زمان را تشکیل می‌دادند. آنها به احتمال زیاد بایستی مسیر خیلی دشواری را رفته باشند. اگر هر کدام از آنها از روی خوش اقبالی کشته نمی‌شد مورد طرد شدن و یا زخمی شدن از طرف مردمان دیگر قرار می‌گرفت و یا تحت ظلم آنها زندگی می‌نمود و با همه این مشکلات دست و پنجه نرم می‌کرد. حال، من چگونه می‌توانم با این دنیای مبارزه طلبانه مقابله کنم؟ من هم در این دنیا زندگی می‌کنم. من چگونه می‌توانم در این دنیا به خوبی زندگی کنم در صورتی که خانواده‌ام با من قطع رابطه کرده‌اند زیرا من یک مسیحی شده‌ام؟ یا من چگونه به خوبی می‌توانم زندگی کنم در صورتی که همسایه‌ام مرا هر روز دشنام می‌دهد و به من اهانت می‌کند و یا حتی در بعضی از اوقات تهدید هم می‌شوم؟ من چگونه با این قضیه کنار می‌آیم در صورتی که درهای من به سوی دیگران بسته شده‌اند بخاطر اینکه من یک مسیحی شده‌ام؟ ای عزیزان ما هنوز در بهشت زندگی نمی‌کنیم و ما در راه رسیدن به آن هستیم. و در این راه امکان این هست که ما مسیرهای دشواری هم داشته باشیم. و موضوع امروز خطبه ما دقیقاً به همین مسیرها بر می‌گردد. نامه پترس به ما این اطلاع را می‌دهد که ما در این راه به چه چیزهایی نیاز داریم و چه چیزهایی را می‌توانیم در خانه خودمان جا بگذاریم. نامه پترس به ما این آموزش را می‌دهد که ما بین چیزهایی که باید با خود ببریم و در خانه بگذاریم بتوانیم به اسانی تصمیم بگیریم. نامه پترس قصد دارد تا ما در هر صورت و از همه مهمتر به هدف مان برسیم.

او در ابتدای این نامه به ما هشدار می‌دهد تا ما پیش بند خدمتکاریمان را فراموش نکنیم. همانطور که می‌دانیم معمولاً پیشبند برای خدمتکاران می‌باشد. همان کاری که عیسی انجام داد یعنی او پیشبند خود را بست و پاهای شاگردان‌اش را شست. با این کار ما مسیحیان و شاگردان عیسی این را باید بدانیم که وظیفه همه ما خدمت کردن است. ما باید هر چیزی را که باعث حواس پرتی مان می‌شود را کنار زده و با اراده خاصی این پیش بند را زده و مشغول خدمت‌گزاری شویم. این پیشبند برای ما مسیحیان خیلی مهم است و ما نباید آن را فراموش کنیم. ما در این عمل خیلی از برادرها و خواهرهایی داریم که ما را در این راه همراهی می‌کنند. ما مسیحیان بایستی تکبر خود را کنار گذاشته و تواضع داشته باشیم. موضوع فقط این نمی‌باشد بلکه کلیساهای مسیحی ای وجود دارند که از وجود زجر و عذاب در جهان خشنود نمی‌باشند. بلکه کلیسا فقط برای اعضای خودش وجود ندارد بلکه برای همه است. ولی معمولاً برای ما که احساس یک انسان زمینی داریم. انجام این کارها خیلی سخت است که به دشمنان خود خدمت نماییم. از طرفی هم ما که اعضای یک کلیسا هستیم خودمان را همیشه با دیگران مقایسه می‌نماییم. هر کسی که در بین ما نعمت و یا مسوولیتی را بدست می‌آورد باید بداند که این برای او دلیل نمی‌شود که خودش را در بین دیگران بالاتر ببیند. ما همه انسان‌هایی هستیم که قابلیت انجام خطا را داریم. مثلاً امکان دارد در بین ما کسی وجود داشته باشد که خوب بتواند ساز بزند ولی اگر همین شخص با خود بگوید و یا این حس را به دیگران بدهد که افراد کنار او نمی‌توانند هیچ سازی را یاد بگیرند دیگر او هیچ فایده‌ای برای برادر و خواهر هایش نمی‌تواند داشته باشد. او می‌تواند با تشویق کردن و جرات دادن به دیگران باعث رشد آنها شود و بدین ترتیب یک شخص مفیدی در بین آنها می‌شود. پترس در نامه خودش به ما این اخطار را نیز می‌دهد که ما خودمان را با چیزهایی که زیاد مهم نیستند مشغول نماییم. همه ما به خوبی می‌توانیم این را ببینیم که ما مسیحیان خیلی علاقه داریم که دور هم جمع شویم و همیشه درباره همه چیز ساعت‌ها بحث و گفتگو نماییم و خیلی کارهای دیگر انجام دهیم. حالا چرا ما باید اینگونه باشیم؟ آیا به نظر شما ما به اندازه کافی کوله خودمان را بیش اندازه از وسایل بی ارزش پر نکرده‌ایم که ما را در مسیر خودمان

فقط عذاب و رنج می دهد و مانع رسیدن به هدفمان می شود؟ شما تمام غصه های خودتان و گرفتاری های خودتان را بر دوش عیسی بگذارید چراکه او برای شما آن را تحمل خواهد کرد. نامه پترس اینگونه به ما هشدار می دهد

در مسیری که ما با عیسی در زندگی مان هستیم دقیقا همانند آن راه کوهستانی است که یک کوه نورد در بین راه و در راه رسیدن به قلعه است که احساس ناتوانی می کند و امید خودش را از دست می دهد و دیگر نمی تواند قدمی به جلو بردارد. عیسی در اینجا به ما می گوید که هر چیزی که مهم نمی باشد را کنار بگذارید و بخصوص گرفتاری ها و نگرانی ها را که او خودش همه را به گردن می گیرد. ما مدت زیادی را نمی توانیم در کنار هم سپری نماییم. بعد از زمانی که ما غسل تعمید گرفته ایم خیلی حرف ها و کارها را برای خودمان در آینده در نظر گرفته بودیم. ما به عنوان یک مسیحی چگونه باید این راه را ببیم؟ و یا به چه چیزی من در این راه نیاز دارم؟ عیسی همه سوال ها و فهرست مایحتاج ما را در ابتدا در کناری قرار می دهد. از همه چیز مهمتر این است که تو به غیر از سوال ها و مایحتاجت، تو به چه چیزهایی نیاز نداری که در کوله خودت جای داده ای. و تو چه سنگ های زیاد بی ارزشی را در کوله خودت داری و آنها را حمل می نمای؟ تو همه گنا هان و مشکلات قدیمی خودت را همه جا با خودت میبری و آن را در هر جایی که با دیگران می نشینی باز می کنی و مطرح می نمای. عیسی در این رابطه می گوید: تو با مطرح کردن این گونه مشکلات خود در بین دیگران باعث نامطمئن کردن دیگر افراد و باعث دودلی در بین آنها می شوی. این گونه رفتارها باعث عدم صحبت کردن تو با عیسی می شود. و در این راه تو همیشه تنها باقی خواهی ماند و دیگر توانی برای ادامه حرکت خود نخواهی داشت. و در بین راه بایستی گوشه ای نشسته و دیگران باید تو را بنگرند. تو در این راه باید هر چیزی که باعث کند شدن تو در این مسیر می شود را به کناری پرت کرده و خود را آزادانه با عیسی پیوند بزنی. پترس به ما می گوید که شما نباید آن ها را به گونه ای کنار بگذارید که بتوانید بعد از مدت کوتاهی دوباره سراغ آنها را بگیرید. و یا دیگر این مشکلات را دوباره از کوله خودتان بیرون نیاورید و در بین همه مطرح ننمایید. این امتحان بسیار سخت می باشد و ما باید به عیسی گوش دهیم و راه خودمان را با او دنبال نماییم. ما اینگونه می توانیم تصور نماییم که کنار گذاشتن این مشکلات اینگونه انجام می شود که ما آنها را در پیش عیسی نام ببریم و به او اعتماد کامل داشته باشیم. و در آنجا من می دانم که همه آنها را در دستان چه کسی قرار داده ام زیرا عیسی هیچ زمان کاری را بدون پایان نمی گذارد. و وقتی که چیزی در قلب من سنگینی کرد من می توانم آن را به آسانی به کشیش خودم بسپارم و در نزد او در پیشگاه عیسی، گناهانم توسط عیسی بخشیده شود و او بدینوسیله بگوید: گناهان تو در اینجا بخشیده می شود و من می توانم زندگی دوباره ای را پس از آن شروع کنم.

عیسی در این راه به ما یک چیز دیگر را نیز پند می دهد: شما مواظب خطرها باشید. در مسیر زندگی ما راه های کوتاه سختی وجود دارند که شیطان دوست دارد که بخشش را که ما از عیسی دریافت کرده ایم را از ما بدزدد. پترس به ما هشدار می دهد که همیشه هوشیار و در حال رشد باشیم. او به ما می گوید که دشمن ما یعنی شیطان همیشه همانند یک شیر گرسنه در کمین ما می نشیند و منتظر فرصتی مناسب برای حمله به ما می شود. پترس شیطان را یک خطر مهم برای ما مسیحیان می داند. شیطان افراد کلیسا را وسوسه می نماید و دوست دارد که آنها را به نحوی بلعد. ما این را می توانیم درک کنیم که کلیساهای قدیم چگونه مورد اذیت و آزار دشمنان قرار می گرفتند. آنها در خیلی از شهر ها مورد تعقیب قرار می گرفتند و اگر شخصی در جمع یک خانواده ای به دین مسیحی روی می آورد فوراً طرد می شد. این موضوع نمی تواند خیلی دور از ذهن باشد که بعضی از آن افراد نتوانند طاقت بیآورند و در دین شان باقی بمانند. حمله شیطان می تواند به همین آسانی و خطرناکی باشد. بعضی از اوقات نیز شیطان خودش را در مقابل ما حقیر و ناتوان و مظلوم جلوه می دهد تا ما را از راه حقیقی دور کرده و دیگر دنبال رو عیسی نباشیم. و همچنین او با پیشنهاد های وسوسه انگیز نیز به پیش ما می آید. هر کدام از کلیساهای ما تقریباً این را می دانند که چقدر سخت است که همه افراد آن کلیسا همه باهم در زیر کلام خدا دعا نمایند. همه ما در زیر فشارهای زیادی قرار گرفته ایم جایی که ما فکر آن هم نمی کنیم که شیطان به قلب ما نفوذ کرده و ما را به آرامی نسبت به دیگران سرد می نماید. و شیطان در این راه بهانه های خیلی زیادی را برای ما می آورد تا کار خودش را توجیه نماید. ما همیشه در حال رنج بردن از یکی از بیمارهای کشورهای متمدن هستیم. که ما همیشه زیر فشار روحی این معضل قرار داریم. ما از چیزهایی که ما تا به امروز برای خودمان تهیه کرده ایم رنج می بریم. و اگر ما یک غذای روحی خوبی دریافت نماییم دیگر آن را با چیز دیگر عوض نمی کنیم. و همیشه در راه درست خودمان باقی می مانیم. و دیگر به بیراهه کشیده نمی شویم و دنبال راهبر ما یعنی عیسی مسیح در راه فتح قله موفقیت می افیم.

اگر من این ها را بدانم، می بینم که من فوراً به آن عیسی نیاز دارم تا او من را در دست های خودش قرار دهد و با راهنمایی هایش راه حقیقی را به من نشان دهد. عیسی این کار را فقط برای من انجام نمی دهد بلکه او دوست دارد همه اینها را با افراد دیگر و به صورت همگانی و دست جمعی انجام دهد. او دوست دارد تا ما همه در حالت یک گروه کوهنوردی درآمده تا او ما را راهبری نماید. او قصد ندارد که فقط راه را به ما نشان دهد بلکه او دوست دارد تمام اهدافی که ما قرار است به آنها برسیم را به ما نشان دهد. من می توانم بگویم که از همه سفرهای کوهنوردی خودم این را تجربه کرده ام که فرقی نمی کند گروه در مسیر چقدر خسته باشد و یا در زیر باران قرار بگیرد و یا راه را اشتباه برود و یا هر چیز دیگر بدی که اتفاق بیا فتد ولی باز هم در آن لحظه ای که همه نمایی از قله را ببینند قلبشان پر از نور شادی می شود و قدرتی تازه دریافت می نمایند و در آنجا می توانند قدم های آخر را نیز به خوبی ببینند تا به هدف شان برسند. عیسی بخوبی این هدف را به ما نشان می دهد:

اما، پس از اینکه اندک زمانی رنج و زحمت دیدید، خدا که بخشنده تمام برکات روحانی است و شما را در مسیح دعوت کرده است که در جلال جاودانی او شریک شوید، شما را کامل و ثابت قدم و قوی و استوار خواهد ساخت 11. قدرت تا به ابد از آن اوست، آمین! برای مسیحیان مسیر هدف نمی باشد. بلکه قرار دادن همه امور در دستان عیسی و قرار گرفتن در اغوش او هدف ما می باشد. خداوند همه اشک های ما را از صورتمان پاک می نماید و ما دوباره خندان می شویم. این هدف را حالا ما در برنامه خودمان داریم و دوست داریم آن را با قدرت به اجرا در آوریم.

ای عیسی به ما کمک کن و ما را از خطرها مواظبت بفرما و اجازه بده تا ما به هدف اصلی برسیم آمین.